

عنوان مقاله:

بوف کور متن معطوف به قدرت (خوانش فوکویی بوف کور)

محل انتشار:

فصلنامه نقد ادبی، دوره 6، شماره 21 (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسنده:

سهراب طاووسی

خلاصه مقاله:

عموما اینگونه تصور می شود که صادق هدایت روشنفکری بوده که در دوره خود با سیستم استبدادی حکومت پهلوی در تعارض بوده است. مطابق بیشتر زندگینامه هایی که درباره او نوشته شده است، این گونه به نظر می رسد که او، علی رغم این که به یک خانواده اشرافی تعلق داشت، به دلیل تعلق خاطرش به آزادی انسان با سیستم پهلوی دشمن بوده است. مقاله حاضر تلاش کرده تا خلاف این نظر عموما پذیرفته شده را اثبات کند. این مقاله با تحلیل بوف کور از منظر تئوری قدرت میشل فوکو، به ویژه نظریه "سراسربینی" یا panopticism، به این نتیجه می رسد که هدایت، از این نظر که از گفتمان غالب دوره خود تاثیر پذیرفته است و مهمترین گفتمان دوره ناسیونالیسم بوده است، ناخودآگاه به سیستم پهلوی خدمت کرده است. برای این منظور ابتدا به تعریف و ریشه یابی نظریه قدرت در آثار مختلف فوکو پرداخته و سپس نظریات پیروان فوکو که این نظریه را در رمان های مختلف اروپایی بررسی کرده اند بیان می کند و در بخش دوم مولفه های این نظریه را در بوف کور هدایت بررسی کرده و در پایان به نتیجه مذکور می رسد.

کلمات کلیدی:

"Discourse", "point of View", "Panopticism", "power", "Michael Foucault", "گفتمان", "قدرت", "میشل فوکو", "سراسربینی", "زاویه دید"

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1837309>

